

صحیفهٔ جامعه و علم امام

محمدتقی شاکر^۱

رضا برنجکار^۲

چکیده:

مکتب تشیع، امام علیه السلام را دارای ارتباط و آگاهی از علم الهی می‌داند، و بر این باور است که دانش پیشوایان شیعه علیهم السلام، فراتر از علم عادی، دارای مجاری و مبادی خاص می‌باشد. موضوع منابع دانش و سرچشمه معرفت پیشوایان شیعه علیهم السلام، با بررسی آیات و روایات مطرح در این مسئله، قابل پی‌گیری است. در روایات، از جمله منابع علم امام، کتابی بنام جامعه دانسته شده است. نگارش این نوشته در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، توسط امیرالمومنین علیه السلام، بر روی قطعات متعددی از پوست انجام پذیرفته است. جستاری در روایات فراوان این حوزه، نشان از انتقال دانشی گسترده و جامع دارد که امام علیه السلام را از دیگران بی‌نیاز، و مردم را برای به‌دست آوردن حقایق احکام و مسائل خود، نیازمند به امام می‌نماید. این صحیفه نشانه‌ای بر عرضهٔ کامل حلال و حرام توسط پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: علم امام، منابع علم امام، صحیفه جامعه، جفر ابیض، صحف انبیاء علیهم السلام.

۱. دانشجوی دکتری کلام امامیه - دانشگاه قرآن و حدیث.

۲. دانشیار دانشگاه تهران - پردیس قم.

* رایانامه: 14mt.shaker@gmail.com ** دریافت: ۹۱/۲/۱۲ تأیید: ۹۱/۹/۲۵.

مقدمه

اهمیت پاسخ صحیح به این پرسش که: «منبع دریافت احکام و قوانین الهی پس از پیامبر ﷺ چه کسی است؟» و چرایی طرح این سوال، به دلیل نمایان بودن اختلاف میان مسلمانان، امری روشن است. زیرا نتیجه روی آوردن به منابعی همانند تفسیر شخصی از دین (تفسیر به رأی)، استحسان و قیاس، دور ماندن از مصالح حقیقی و آثار طبیعی پیوند یافته با احکام واقعی است. آیا خدای سبحان برای مردم پس از قرآن و سنت نبوی ﷺ، راهی بدون خطا تعیین فرموده است، تا به وسیله آن، حقایق کتاب و سنت نمایان گردد و یقین، جایگزین گمان، در تبیین معارف و احکام الهی باشد؟ آیا نشانه‌هایی از انتقال کامل و دقیق دانش عظیم پیامبر ﷺ به افرادی معین در جهت بهره‌مندی مردم از معارف و احکام واقعی و کامل شریعت وجود دارد؟ پیروان مکتب اهل بیت  با انحصار مرجعیت دینی و علمی در پیشوایان شیعه، تعیین راه وصول به حقایق قرآن و سنت را در ایشان می‌دانند، و به این باور هستند که بر این گفتار جنبه‌های علمی و عملی مهمی مترتب می‌باشد. شیعه بر ادعای انحصار خود، دلائلی استوار، از آیات و روایات، و ادله‌ای از تاریخ و عقل ارائه می‌نمایند. ادعای انحصار در مرجعیت، با مسئله منابع آگاهی و علم امام پیوند می‌یابد. مکتب تشیع در پاسخ به چرایی انحصار مرجعیت در ائمه ، دانش و علم امام را الهی و ویژه می‌داند. مقاله پیش‌رو با این نگاه، به معرفی یکی از منابع خاص و ویژه دانش و علم امام می‌پردازد و در صدد است تا نشان دهد که دانش احکام حلال و حرام الهی، به صورت کامل توسط پیامبر ﷺ به جانشین وی انتقال یافته است، و امام  در مسئله احکام الهی، بیانگر همانی است که از پیامبر ﷺ دریافت نموده است.

علوم انتقالی به امام و جایگاه جامعه

روایاتی فراوان، ارتباط علمی خاص میان پیامبر اکرم ﷺ با امیرالمومنین  را به تصویر می‌کشد. ترمذی در سنن خود از امام علی  نقل می‌کند:

هرگاه از پیامبر ﷺ سوالی می‌نمودم، دانش آن‌را پیامبر ﷺ به من اعطا می‌فرمود و آنگاه که ساکت می‌شدم، حضرت خود آغاز سخن می‌نمود (ترمذی، ۵:۲۵۳).

ام سلمه می گوید:

جبرئیل بر رسول خدا ﷺ املاء و حضرت به علی ﷺ املاء می نمود.
(زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۴۹۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۲۹: ۴۹۶).

آیات نجوی و روایات ذیل آن نیز به خوبی گویای این پیوند علمی است.

در یک تقسیم‌بندی نسبت به علوم ائمه علیهم‌السلام، یکی از عناوین اصلی انتقال و دریافت علم برای امام، عنوان علوم انتقالی توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد، که در کنار دو دسته دیگر، یعنی علوم بی واسطه یا عنایات الهی و علوم با واسطه ملک و روح قرار می‌گیرد. عنوان علوم انتقالی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز شامل موضوعات متعدد و متنوعی می‌گردد، که برخی از علوم با گفتار و شنیدن و انتقال روحی تحقق یافته مثل موضوع ألف‌باب (هزار در علم)، برخی علوم علاوه بر بیان به صورت مکتوب توسط امام علیه‌السلام در آمده، مثل جامعه، و برخی به صورت مکتوب به امام منتقل شده است مانند کتب پیامبران گذشته علیهم‌السلام که در همه این موضوعات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقش اصلی در انتقال علم به امام را ایفا نموده است؛ لذا این علوم تحت عنوان علوم انتقالی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قرار داده می‌شود (ر.ک. کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۱-۲۵۲). جامعه یکی از عنوان‌های مورد تاکید روایات در رابطه با علم امام می‌باشد، که نشانه‌ای از پیوند عمیق میان امامت و نبوت است. جامعه، نگاشته‌ای ماثور از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی شده است:

أما هو اثر عن رسول الله ﷺ (صفار، ۱۴۰۴، ۱۳۹ و ۱۴۶).

صحیفه جامعه و گزارش آن در کتب روایی

روایات جامعه به صورت گسترده در دو کتاب حدیثی اصلی و پر قدمت شیعه، یعنی کافی و بصائر الدرجات مطرح شده است. مرحوم کلینی در جلد اول در ذیل عنوان «بَابُ فِيهِ ذِكْرُ الصَّحِيفَةِ وَالْجَمْعَةِ وَالْمُصْحَفِ فَاطِمَةَ عليها السلام» هشت روایت ذکر می‌نماید که روایات شماره یک تا شش به موضوع جامعه اختصاص یافته است. در کتاب فضل‌العلم تحت عنوان «بَابُ الْبِدْعِ وَالرَّأْيِ وَالْمَقَابِيسِ» نیز روایاتی در موضوع جامعه بیان شده است (وجه این امر در ادامه روشن خواهد شد). همچنین در فروع کافی در کتاب الموارث ذیل باب «الْمَرْأَةُ

تَمُوتُ وَلَا تَتْرُكُ إِلَّا زَوْجَهَا» روایاتی که محتوای جامعه در آنها مشاهده می‌شود بیان گردیده است. از روایات مطرح شده در کافی روایت اول، سوم و پنجم روایاتی صحیح و مسند می‌باشند.

اما در کتاب بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم‌السلام مرحوم محمد بن حسن صفار در بابی که با عنوان «فی الأئمة أن عندهم الصحيفة الجامعة التي هی إمام رسول الله و خط علی علیه‌السلام بیده و هی سبعون ذراعاً» نام‌گذاری نموده است، بیست و چهار روایت در موضوع جامعه مطرح می‌نماید. همچنین در دو باب دیگر با عنوان «باب آخر فیہ أمر الکتب» و «باب فی الأئمة ع أنهم أعطوا الجفر و الجامعة و مصحف فاطمة علیها‌السلام» ایشان روایاتی مربوط به جامعه ذکر نموده است.

ویژگی‌های جامعه (غیر از محتوا)

برای معرفی جامعه، ائمه اطهار علیهم‌السلام اوصاف و خصوصیات را ذکر نموده‌اند، که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حجم زیاد: اندازه این صحیفه، از نظر طول هفتاد ذراع، به اندازه ذراع پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد (همو: ۱۵۳؛ کلینی، ۱۰۱۳۶۵: ۲۴۱).

املاء جامعه توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نگارش آن توسط امام علی علیه‌السلام، و این گفتن و شنیدن به صورت خصوصی و ویژه بوده است.

جنس جامعه: کلمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر روی پوست شتر یا گوسفند نوشته شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۵).

در روایات از جامعه گاه با تعبیر صحیفه یا کتاب یا جفر نام برده شده است. جمله «و ان عندنا لصحيفة طولها سبعون ذراعاً» با تعبیری مختلف، اما به مضمونی یکسان در روایات آمده است، که بر هفتاد ذراع بودن جامعه دلالت می‌کند.

گرچه شاید ابتدا به نظر برسد مراد از هفتاد ذراع تعبیری غیرحقیقی و به صورت مجازی برای جامع و مطول بودن آن صحیفه باشد و از باب تمثیل و تشبیه بیان شده است، اما قرائنی که در برخی روایات آمده، نشان می‌دهد، تعبیر هفتاد ذراع تعبیری حقیقی است و جامعه، صحیفه یا کتابی قطور و حجیم

بوده است. از جمله این قرائن مشاهده برخی از روایات و توصیف آن است و همچنین تعبیر و کلمات خود ائمه علیهم السلام از آن به مطوی و پیچیده بودن آن دور هم و تصریح به جنس آن که از پوست شتر یا گوسفند می‌باشد (اختلاف تعبیر شاید به این علت است که جامعه به حسب طولانی بودنش، شامل هر دو پوست بوده) از قرائن وجود خارجی داشتن و قابل لمس بودن این کتاب می‌باشد. همچنین تعبیر از جامعه گاه به صحیفه یا کتاب، خود شاهی بر این ادعا می‌باشد.

محتوای جامعه

بیان موضوع و محتوای جامعه با عبارت‌های نزدیک به هم، در کتاب‌های حدیثی ثبت شده، که با کنار هم قرار دادن آنها و قرائن دیگر می‌توان به محتوای کلی و موضوع اصلی جامعه دست یافت.

تعبیر «کل ما یحتاج الناس الیه» (تمام نیازمندی‌های مردم) (صفار، ۱۴۰۴):

۱۳۵

«ما من حلال و لا حرام الا و هو فیها» (تمام حلال و حرام‌ها) (همو: ۱۴۲ و ۱۴۴) که تعبیر روایات در تبیین محتوای جامعه است، متفاوت به نظر می‌رسد، زیرا نیازهای مردم ممکن است غیر احکام مثل عقاید باشد. اما به نظر می‌رسد قرائنی در خود روایات وجود دارد که روشن می‌کند منظور از تمام نیازها، تمام نیازها در احکام است.

این قرائن علاوه بر روایان احادیث جامعه، و جهت و علت گفت‌گو درباره جامعه که به فهم محتوای جامعه می‌تواند کمک نماید، شامل قطعه‌هایی از جامعه است که توسط امام علیه السلام برای گروهی از اشخاص قرائت شده است، و آنچه قرائت شده به صورت احادیثی در اختیار ماست که دلالت خوبی بر مضمون و مطالب جامعه می‌نماید. قرائن و شواهد بر محتوای جامعه را می‌توان بدین صورت برشمرد:

تصریح گروهی از روایات به تعبیر «ما من حلال و حرام» به تنهایی و بدون هیچ اضافه‌ای. در این روایات عباراتی شبیه «کل ما یحتاج الناس الیه» که گستره بیشتری از موضوعات، علاوه بر موضوعات فقهی را شامل می‌شود، ذکر نشده است (همو: ۱۵۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶: ۲۵).

محمد بن مسلم نقل می‌کند:

امام باقر علیه السلام از وجود کتابی در نزد خود متعلق به امام علی علیه السلام خبر داد که ائمه علیهم السلام به صورت کامل از آن تبعیت می‌کنند. محمد بن مسلم می‌گوید: پرسیدم میراث علمی که به شما رسیده، آیا جوامعی از علم است یا شامل تفسیر و تفصیل همهٔ اموری که مردم در مورد آن صحبت می‌کنند، مثل طلاق و واجبات می‌شود؟ حضرت فرمود: همانا علی علیه السلام تمام علم را یعنی قضاء و واجبات را نگاشت و اگر زمان ما فرا رسید چیزی نخواهد بود مگر اینکه در آن سنتی وجود خواهد داشت (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۳).

همانگونه که ملاحظه می‌شود، فهم محمد بن مسلم از کتاب مذکور به امور مربوط به مسائل احکام و حلال و حرام رفته، آنچه او را کنجکاو به پرسش نموده، یافتن پاسخ این مطلب است که آیا این کتاب و جوامع مانند آن، کلیاتی را ذکر کرده‌اند یا شامل جزئیات هم می‌گردد، که حضرت با تایید فهم محمد بن مسلم و عبارت تفسیری «القضاء والفرائض» برای لفظ «العلم»، کتاب علی علیه السلام را شامل جزئیات دانسته است و آن را در برگیرندهٔ تمام سنن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌نماید.

در برخی از احادیث، قطعه‌ها و عباراتی از جامعه بیان شده است. ملاحظه و دقت در این جملات که تنها بازگویی مسائلی چند از احکام و عبادات است قرینه‌ای بر محتوای جامعه می‌باشد (همو: ۱۴۳ و ۱۴۵ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۶۵؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱).

نمونه‌هایی از روایات بیان‌گر محتوای جامعه عبارتند از:

معتب با تعبیر «اخرج الینا» نقل می‌کند:

امام صادق علیه السلام صحیفه‌ای را نزد ما بیرون آورد که صحیفه‌ای قدیمی از نگاشته‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بود و در آن آمده بود: ما تقول [نقول] إِذَا جَلَسْنَا لِنَتَشَهَّدَ (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۵).

ابوبصیر می‌گوید:

نزد امام باقر علیه السلام بودم که فرمود جامعه را بیاورند، نگاهی به آن نمود و در آن آمده بود که زنی که بمیرد و وارثی جز همسرش نداشته

باشد، تمامی مال او برای مرد خواهد بود. نقل می‌کند: كُنْتُ عِنْدَهُ
فَدَعَا بِالْجَامِعَةِ فَنظَرَ فِيهَا أَبُو جَعْفَرٍ ع فَإِذَا فِيهَا الْمَرْأَةُ تَمُوتُ وَ تَتْرُكُ
زَوْجَهَا لَيْسَ لَهَا وَارِثٌ غَيْرُهُ قَالَ فَلَهُ الْمَالُ كُلُّهُ (همان).

ابومخلد از عبدالملک روایت می‌کند:

امام باقر علیه السلام کتاب علی علیه السلام را خواست و امام صادق علیه السلام آن را نزد
حضرت حاضر نمود. آن صحیفه همانند ران پیچیده به هم بود، و در
آن نوشته شده بود: إِنَّ النِّسَاءَ لَيْسَ لَهُنَّ مِنْ عَقَارِ الرَّجُلِ إِذَا هُوَ تُوْفِيَ
عَنْهَا شَيْءٌ. امام باقر علیه السلام سپس فرمود به خدا این خط علی علیه السلام و
املاء پیامبر صلی الله علیه و آله است (همو، ۱۶۵).

محمد بن مسلم به ملاقات خود با امام باقر علیه السلام اشاره و چگونگی مشاهده
صحیفه علی علیه السلام که به خط علی علیه السلام و املاء پیامبر صلی الله علیه و آله بود را مطرح می‌کند و
می‌گوید خود من حکمی از ارث را در آن دیدم (کلینی، ۱۳۶۵، ۷: ۹۳). زراره
نیز به حکمی از مسائل ارث در صحیفه اشاره می‌کند.^۱

از جمله شواهد بر محتوای جامعه، عبارات پایانی اکثر احادیث، حتی
احادیثی که در آن تعبیر «کل ما یحتاج الناس» آمده، می‌باشد، که به اتفاق در
تمام این روایات به یک مضمون آمده، طرح مسئله جریمه و دیه خدشه را بیان
می‌کند، و این دلیلی است که محتوای این صحیفه یا کتاب، تمام مسائل فقهی
مورد نیاز مردم می‌باشد؛ زیرا اجماع احادیث بر این مثال و نیاوردن موضوع و
مثالی از علوم دیگر، می‌تواند قرینه باشد که محتوای جامعه شامل تمامی ابواب
و مسائل احکام و عبادات می‌شود، نه موضوعاتی دیگر، وگرنه لازم بود جزئی‌ترین
مسئله از علوم و موضوعات دیگر نیز حداقل در برخی روایات ذکر شوند.

۱. وَجَدْتُ فِي صَحِيفَةِ الْفَرَأْنِصِ رَجُلٌ مَاتَ وَ تَرَكَ ابْنَتَهُ وَ أَبَوَيْهِ فَلِلْأَبْنَةِ ثَلَاثَةُ أَسْهُمٍ وَ
لِلْأَبَوَيْنِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَهْمٌ يُقْسَمُ الْمَالُ عَلَى خَمْسَةِ أَجْزَاءٍ فَمَا أَصَابَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ
فَلِلْأَبْنَةِ وَ مَا أَصَابَ جُزْءَيْنِ فَلِلْأَبَوَيْنِ (کلینی، همان: ۹۴).

این‌ها شواهدی بود که نشان می‌دهد محتوای اصلی جامعه، احکام و مسائل حلال و حرام یا همان فقه می‌باشد. البته به قرائن مذکور، قرینه‌های دیگری هم می‌توان افزود. از جمله با نگاه کلی و کلان به منابع علوم ائمه علیهم‌السلام می‌توان ادعا نمود که هر یک از این منابع، متکفل بیان و دست‌یابی به گروه و گونه خاصی از علوم مختلف بوده‌اند. به‌عنوان نمونه مصحف فاطمه علیها‌السلام که جزء منابع مورد تاکید ائمه علیهم‌السلام می‌باشد، منبع شناخت و آگاهی از علوم ویژه‌ای بوده است، و یا روایت حارث نضری (طوسی، ۱۴۱۴، ۴۰۸؛ صفار، ۱۴۰۴، ۳۱۶) از امام صادق علیه‌السلام با توجه به مضمون روایات جامعه که آن را مشتمل بر تمام احتیاجات مردم در مسائل فقهی می‌داند، بیان‌گر این مطلب است که مصادر و مجاری علمی چون نکت در قلب و نقر در اذن، مسائلی سوای احکام و عبادات می‌باشد. در برخی روایات کنار هم قرار گرفتن جفر و جامعه باعث گردیده، محتوای جامعه مسائلی فراتر از احکام و حلال و حرام الهی دانسته شود. به‌عنوان نمونه، امام رضا علیه‌السلام در جریان ولایت‌عهدی تحمیلی از مامون برای جلوگیری از انحراف فکری شیعه از جمله به جامعه و جفر استناد می‌کنند (اربلی، ۱۳۸۱، ۲: ۳۳۷؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۴: ۳۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۴۹: ۱۵۲) مرحوم اربلی در سال ۶۷۰ این عهدنامه و توشیح حضرت امام رضا علیه‌السلام را مشاهده و عیناً از آن نقل می‌کند (اربلی: همان). برخی از اندیشمندان معاصر این عهدنامه را به جهت بیانیه رسمی بودن آن سند بسیار مهمی در اثبات جفر و جامعه می‌دانند (ر.ک. حائری، ۱۳۸۸، ۸۱). اما با توجه به قرائنی که مطرح شد، باید دقت نمود، مقصود از جفر در این‌گونه تعبیر از آن روست که واقعیت داشتن یا نداشتن را در بر دارد و مراد از جامعه از حیث جواز و عدم جواز می‌باشد و هر یک بیان‌گر مطلبی مخصوص خود است و به کار رفتن این دو به همراه هم، نباید باعث سرایت محتوای هر یک به دیگری شود. اما در مورد موارد اخلاقی که به جامعه استناد داده شده است، باید گفت امور اخلاقی هم به امور عملی مربوط می‌شود و در ذیل حلال و حرام می‌گنجد.

انتقال کتب به تمامی ائمه علیهم‌السلام

مطابق روایات صحیفه جامعه از زمان امام باقر علیه‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶: ۲۲ و ۲۵ و ۵۴ و ۴۸ (۵) به صورت رسمی و وسیع به خواص و گروه‌های مردم معرفی شد. هر چند روایات دلالت می‌کنند، قبل از آن زمان به صورت ویژه

افراد معدودی در زمان پیامبر ﷺ مثل ام سلمه (صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۳)، و یا طلحه (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱: ۱۵۳؛ سلیم بن قیس، ۱۴۱۵: ۶۵۷) در زمان حضرت امام علی علیه السلام از آن آگاه شده اند- در زمان امام صادق علیه السلام شهرت بیشتری میان خواص و شیعیان و حتی شاخه‌های فرعی و منحرف از شیعیان یافته بود (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۴۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۳۹). نشانه این شهرت سؤالات ابتدائی گروهی از اصحاب و مردم دربارهٔ جامعه به ویژه از امام صادق و امام رضا علیهما السلام است. نقل شده که:

منصور بن حازم به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و از امام پرسید: ان الناس یذکرون ان عندکم صحیفه طولها سبعون ذراعاً فیها ما یحتاجون الیه الناس، و ان هذا هو العلم (صفار، ۱۴۰۴، ۱۳۹). مردم می‌گویند نزد شما صحیفه‌ایست که طولش هفتاد ذراع بوده در آن تمام نیازهای مردم آمده است.

۱۳۹

روایات علم امام، به روشنی دلالت می‌کند، دانش هر امامی به امام پس از او انتقال می‌یابد (ر.ک. صفار، ۱۴۰۴، ۱۶۲-۲۰۸). در مورد جامعه و کتب در اختیار امیرالمومنین علیه السلام نیز روایاتی دلالت بر انتقال و در اختیار داشتن این صحیفه می‌نماید.

از سلیم بن قیس که گزارش وصیت امیرالمومنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام را بیان می‌کند نقل شده است:

حضرت با اعطاء نگاشته‌های نزد خود و سلاح پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسن علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله دستور فرمود، سلاح و کتب را به تو بسپارم، همان‌گونه که رسول خدا آنها را به من سپرد، و به من فرمود که تو را امر کنم هنگام مرگ، آن‌ها را به برادرت حسین علیه السلام بسپاری (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۹۷).

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

هنگامی که امام حسین علیه السلام به سمت عراق حرکت نمود، به ام سلمه کتاب‌هایی را سپرد و ام سلمه آنها را پس از شهادت حضرت، به امام سجاد علیه السلام تحویل نمود (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۹۵).

عیسی بن عبدالله به نقل از جدش می گوید:

هنگام رحلت امام زین العابدین علیه السلام، ایشان به امام باقر علیه السلام فرمود: ای محمد این صندوق را به خانه ببر، که مملو از علم است (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۳۰۵؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۵).

زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

ما مضی ابوجعفر علیه السلام حتی صارت الکتب الیّ (صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۵).

علی بن یقطين می گوید:

امام کاظم علیه السلام به فرزندش علی (امام رضا) علیه السلام اشاره نمود و فرمود او فقیه ترین فرزندان من است و من نگاشته ها و کتب نزد خود را به او بخشیدم (صفار، ۱۴۰۴: ۱۶۱؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱: ۲۲).

و روایاتی مشابه این روایات، که یا از انتقال کتب به ائمه بعدی خبر می دهند، و یا از نمایش دادن کتب در اختیار ائمه علیهم السلام به اصحاب گزارش می کنند (ر.ک. نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۷؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۷: ۱۱۳؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۶). از همین رو امام باقر علیه السلام هنگامی که گروهی از اهل کوفه نزدشان بودند، فرمودند:

تعجب است از مردم که می گویند که تمامی دانش خود را از رسول خدا گرفته اند، پس با عمل به آن هدایت می شوند، و می گویند اهل بیتش علم و دانش رسول خدا را دریافت نکرده اند، در حالی که ما اهل بیت و فرزندان او هستیم، در منازل ما وحی نازل و از نزد ما علم به آنها رسیده است. آیا گمان می کنند آنها می دانند و هدایت شده اند و ما جاهلیم و گمراه. این محال و دور از واقعیت است (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۳۹۸).

در روایتی امام باقر علیه السلام پس از سخن از وجود جامعه، به مهران به اعیان می فرماید:

«لو وئینا الناس لحکمنا بما انزل الله» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۳)

نیاز مردم و جامعه

موضوع پدید آمدن مسائل جدید و نیاز مردم به آگاهی از احکام مسائل جدید، از جمله مواردی است که در روایات ذیل عنوان جامعه مورد اشاره قرار گرفته است. ائمه علیهم السلام وجود جامعه نزد خودشان را یکی از دلایل نیازمندی مردم به ایشان معرفی نموده‌اند و آگاهی و شناخت خود از جامعه را سبب بی‌نیازی از دیگران دانسته‌اند. این روایات با اشاره به پدیدار شدن موضوعات و مسائل نو، وجود جامعه را سبب بهره‌مندی کامل و توان‌مندی پاسخ صحیح و مناسب به آنها بیان نموده‌اند. همچنین در این روایات بیان شده است که دوری و غفلت از جامعه، سبب فاصله گرفتن از واقع و قوانین و دستورات حقیقی خداوند، با تمسک به قیاس (کلینی، ۱۳۶۵: ۱، ۵۷: صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۶) و نظریات شخصی می‌باشد (صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۶). تعبیری مانند «علم یستغنی به عن الناس و لایستغنی الناس عنه» (صفار، ۱۴۰۴: ۳۲۶) یا علم جدید (همان: ۱۶۶) خواندن محتوای جامعه و یا جامعه را مصداق آیه «او أثاره من علم ان کنتم صادقین» (احقاف: ۴) دانستن (همان)، نشان‌دهنده و بیان‌گر این امرند. بیان روایات در تمسک به شیوه قیاس توسط مخالفین در برابر منبعی علمی و یقینی مانند جامعه، خود قرینه‌ای است که مراد از محتوای جامعه را روشن می‌نماید، چرا که قیاس مستمسکی برای یافتن احکام و حلال و حرام توسط فقهاء سنی می‌باشد.

قرائت و روایت زراره از مصحف علی علیه السلام یا جامعه که مشتمل بر احکام و تکالیف عملی بوده است، نشان می‌دهد تا چه اندازه جریان غالب سیاسی نسبت به حقایق احکام جفا و زمینه نابودی و تعطیلی احکام الهی را پدید آورده‌اند. همچنین از این روایت تفاوت احکام واقعی با نظریات اهل سنت به وضوح آشکار می‌شود (کلینی، ۷، ۱۳۶۵: ۹۴). موید تفاوت صحیفه با دیدگاه مطرح، پاسخ حضرت به سوال ابتدائی زراره است که منجر به رؤیت جامعه شد، او می‌گوید: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَجِدُ أَحَدًا قَالَ فِيهِ إِلَّا بِرَأْيِهِ إِلَّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام. حضرت تمام دیدگاه‌های مطرح را مخالف آنچه امیرالمؤمنین علیه السلام در صحیفه خود آورده‌اند، بیان می‌کنند و به عبارتی، دیدگاه امام علی علیه السلام را دیدگاهی متفاوت دانسته است. نکته دیگری که از این روایت استفاده می‌شود تاییدی بر

روایات حل تعارض میان اخبار است، که یک راه آن را مخالفت با عامه مطرح نموده‌اند. پس این روایت از این جهت بیانی خاص در تایید مسئله شیوه حل تعارض میان روایات است.

جامعه و شیوه مخالفین در دستیابی به احکام

از جمله مطالبی که از روایات ذیل عنوان «جامعه» می‌توان استفاده نمود، استدلال و احتجاج به وجود جامعه در برابر شاخه‌های انحرافی مذهب تشیع و بلکه دیگر فرق و مذاهب می‌باشد. ائمه معصومین علیهم‌السلام با توجه دادن به مبادی معرفتی و لزوم مستند و منقح بودن احکام و فتاوی صادر شده توسط علماء، منبع معرفتی و آگاهی خود را مستند به کلمات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند. فضیل از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

انا علی بنه من ربنا بینها نبيه فبینها نیه لنا و لولا ذلك لکتنا کهلواء الناس؛ ما بر بینهای که خدا آنرا برای پیامبر خود روشن نموده، هستیم که پیامبر آنرا برای ما روشن نمود و اگر این‌گونه نبود مانند این مردم بودیم (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۸۰؛ صفار، ۱۴۰۴: ۲۹۹؛ و نیز ن.ک. مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶: ۳۰).

ائمه علیهم‌السلام در مقابل، ریشه و مصدر احکام و فتوای علمایی چون ابوحنیفه و ابن‌شبرمه را قیاس و ظن و تخمین دانسته‌اند. ابی‌شبیبه نقل می‌کند:

از امام صادق علیه‌السلام شنیدم: آگاهی و دانش ابن‌شبرمه در برابر جامعه، گمراهی است، همانا وجود جامعه برای کسی مجال کلام و حرفی باقی نمی‌گذارد، در آن علم حلال و حرام گرد آمده است. همانا اصحاب قیاس با قیاس نمودن خواستار دست یافتن به علم شدند، درحالی که این‌گونه کسب علم کردن جز دوری از حقیقت ثمری ندارد و همانا دین خدا با قیاس نمودن به دست نمی‌آید (کلینی، ۱۰۱۳۶۵: ۵۷؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۴۶).

روایت مذکور علاوه بر آن که محتوای جامعه را، علم حلال و حرام بیان می‌کند، دوری از آن را سبب بی‌راهه رفتن و دور شدن از حقیقت می‌داند.

همچنین ابن‌ابی‌عمیر از محمد بن حکیم نقل می‌کند:

امام ابوالحسن علیه السلام با تبیینی از علت هلاکت اقوام گذشته، پندار ناقص بودن دین خاتم را مردود می‌شمرد و با پاسخ به این پرسش که نیازمندی‌های پس از پیامبر با توجه به ختم رسالت چگونه تأمین خواهد شد، می‌فرماید: خداوند دین خود را برای پیامبرش کامل نمود که این اکمال دین در دو ساحت حیات و ممات پیامبر محقق می‌گردد. در زمان حیات ایشان با وجود خودشان و در زمان رحلت ایشان با اهل بیت‌شان (صفا، ۱۴۰۴: ۱۵۰؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۷: ۲۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۶: ۳۴).

حضرت علیه السلام پندار نقص دین و یا کامل بیان نشدن شریعت و احکام اسلام را رد و طریق رسیدن به آن حقایق را تمسک به امامان علیهم السلام برای دریافت نیازمندی‌ها و یافتن پاسخ حقیقی سوالات بیان می‌کنند، حضرت علیه السلام جریان اهل بیت علیهم السلام را در مقابل جریان فقهی مانند ابوحنیفه می‌داند که طبق رأی و نظر خود، نه آن حقیقتی که خدا با آن دینش را کامل نموده، به فتوا و بیان حلال و حرام خدا می‌پردازد، و در واقع دین خدا را ناقص و عقل و خرد ناقص خود را کامل کننده شریعت، و دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نیازمند امثال ابوحنیفه می‌داند.

جامعه و دیگر صحیفه‌ها

در روایات از کتاب‌ها و صحیفه‌های متعددی که در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام بوده نام برده شده است، که گاه از تعدادی از آنها، با عنوان مشترک نام برده شده است. مانند عنوان جفر. از این رو در ادامه به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که تفاوت این کتب و صحیفه‌ها در چه بوده و آیا بر جامعه عنوان جفر و یا سایر عناوین اطلاق گردیده است یا خیر؟

روایات فراوانی دلالت می‌کنند که علم هر پیامبری به پیامبر پس از خود و اوصیاء او منتقل می‌گردد. این انتقال با تعبیر ارث رسیدن و ارث بردن به کار رفته است (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۲۱-۲۲۳). در روایات این انتقال علم تنها اختصاص به علوم مکتوب ندارد، بلکه گفته شده علمی که با آدم ابوالبشر به زمین آمد علمی ماندگار و باقی در زمین است که به انبیاء و ائمه علیهم السلام به ارث رسیده است (همان).

کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته علیهم‌السلام مانند تورات، زبور، انجیل و صحیفه‌هایی مثل صحف موسی و ابراهیم علیهم‌السلام از جمله علوم مکتوبی است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واسطه در انتقال آن به امام علی علیه‌السلام است و همچنین هر امامی واسطه در انتقال به امام بعدی می‌باشد (کلینی، همان: ۲۲۲؛ مجلسی، همان، ۲۶: ۲۰).

از این کتاب‌ها و صحیفه‌ها در برخی روایات با عنوان مختصر «جفر ابیض» یاد شده است. طبق برخی روایات جفر ابیض شامل: زبور، تورات، انجیل، صحیفه‌های موسی و ابراهیم علیهم‌السلام است. برخی روایات مصحف فاطمه علیها‌السلام را نیز در ذیل جفر ابیض نام برده‌اند (کلینی، همان: ۲۴۰؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱۵۰). در برخی دیگر از روایات تمام کتاب‌های الهی قبل از تورات و انجیل در عنوان جفر ابیض قرار گرفته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲، ۳۷۲؛ مفید، ۱۴۱۳ [الف]، ۲: ۱۸۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ۲: ۱۷۰). روایاتی دیگر با عنوان جفر، به تنهایی بدون صفت ابیض آنچه را مشتمل بر جفر دانسته، سلاح و کتب رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مصحف فاطمه علیها‌السلام بیان نموده‌اند (صفار، همان: ۱۵۴؛ مجلسی، همان، ۲۶: ۴۵).

روایات، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را وراث علوم و عطایای تمام انبیاء بیان می‌کنند (کلینی، همان، ۱: ۲۲۵؛ صفار، همان: ۱۳۶). از روایات استفاده می‌شود آن صحیفه‌ها حاوی مطالبی ارزشمند و در برگیرنده مبانی و دلایل معارف الهی بوده‌اند (کلینی، همان: ۱۶۹؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۵۸۹). همچنین در روایات بیان شده است که ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام در تمام صحف انبیاء مکتوب می‌باشد (کلینی، همان: ۴۳۷؛ صفار، همان: ۷۲). همان‌گونه که شواهدی از کتب انبیاء سابق طبق روایات بر این امر دلالت دارد (صدوق، همان: ۱۸۰؛ کلینی، همان: ۵۱۵). در روایات تاکید شده است که صحف انبیاء گذشته توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به ائمه علیهم‌السلام به ارث رسیده است (صفار، همان: ۱۳۷-۱۳۸) در برخی روایات به نقل و انتقال کتب و حتی واسطه‌های انتقال صحیفه‌ها از امامی به امامی دیگر تصریح شده است (کلینی، همان: ۲۹۰؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۷؛ صفار، همان: ۱۴۸؛ مجلسی، همان، ۲۶: ۵۰). از این دست روایات و روایات دیگر استفاده می‌شود که این انتقال، انتقالی حقیقی بوده و صحف اصلی انبیاء علیهم‌السلام در اختیار ائمه علیهم‌السلام بوده است.

احادیث از در اختیار داشتن صحیفه‌های گوناگونی توسط ائمه علیهم‌السلام خبر می‌دهند، به گونه‌ای که طبق برخی روایات، خواندن و فهم نوشتار درون برخی صحیفه‌ها توسط غیر امام ممکن نبوده است (مفید، ۱۴۱۳/ب: ۲۸۴؛ صفار، همان: ۳۰۷؛ مجلسی، همان: ۵۵). عنوان کلی تمام صحیفه‌ها گاه با افزودن صفت ابیض بر لفظ جفر، به صورت جفر ابیض به کار برده شده است.

جفر ابیض شامل دو دسته کتب

شاید بتوان گفت جفر ابیض عنوانی است که شامل دو دسته از کتب می‌شود:

الف) دسته‌ای که قابل مشاهده بودند، به گونه‌ای که آگاهان به زبان آن کتاب، می‌توانستند آن را قرائت کنند و مطالب آن را درک و فهم نمایند. مانند کتب تورات و انجیل (صفار، همان: ۱۳۷؛ مجلسی، همان: ۱۸۶).

ب) دسته دوم نوشته‌هایی که به صورت رمز و اشاره بوده‌اند.

به هر حال آنچه از روایات بدست می‌آید آن است که جفر (مقصود کتب و صحف انبیاء است) شامل علم گسترده و فراوانی بوده است. ابوعبیده از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت در پاسخ از جفر بیان داشت:

هو جلد ثور مملو علماً (صفار، همان: ۱۵۳؛ کلینی، همان: ۱: ۲۴۱).

در روایت دیگری حمران بن اعین از امام صادق علیه‌السلام سؤال می‌کند: آیا تورات و انجیل و زبور و آنچه در صحیفه‌های اولی که صحف ابراهیم و موسی علیهم‌السلام باشد نزد شما است؟ حضرت می‌فرماید بله. حمران می‌گوید عرض کردم: این همان علم بزرگ و اکبر است؟ حضرت می‌فرماید:

اگر علمی غیر از علمی که برای گذشتگان است نزد ما نبود بله، علم اکبر آن بود، اما ما یحدث باللیل و النهار که علمش نزد ما است اعظم و بزرگ‌تر است. (صفار، همان: ۱۴۰؛ مجلسی، همان: ۲۰).

نتیجه‌گیری:

الصحیفه الجامعه که به اختصار به آن جامعه اطلاق می‌شود، اثری به املاء پیامبر ﷺ و کتابت امام علی علیه السلام است که شامل نیازمندی‌های مردم پس از دوران ختم نبوت، به احکام و حلال و حرام می‌باشد. این کتاب در دسترس عموم نبوده و منحصرأ در اختیار ائمه علیهم السلام بوده است و نشان امامت به شمار می‌آمده است. امیرالمومنین علیه السلام به عنوان واسطه انتقال علم پیامبر ﷺ به ائمه علیهم السلام نقش اساسی و محوری در این باره داشته است.

با توجه به وظیفه الهی ائمه علیهم السلام در صیانت از کتاب الهی و سنت نبوی ﷺ قطعی بودن نقش سنت در کلیه معارف دینی و مسأله انتقال این معارف در سلسله امامت و ولایت می‌توان به جایگاه برجسته الصحیفه الجامعه پی‌برد. تأکید روایات بر این صحیفه از جهتی پاسخ به مسئله چگونگی آگاهی امام از احکام و مستند فتاوی‌ای امامان شیعه می‌باشد.

از جریان جامعه و دیگر صحیفه‌هائی که در اختیار ائمه علیهم السلام قرار داشته است، اهمیت و جایگاه اثر مکتوب در مکتب اهل بیت علیهم السلام دانسته می‌شود. بالتبع می‌توان ادعا نمود این امر عاملی مؤثر در اقبال شیعه به نوشتار و اثر مکتوب بوده است.

فهرست منابع:

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹)؛ مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، نشر علامه.
- إربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)؛ کشف القمّة، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵)؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- رازی، فخرالدین (۱۴۲۰)؛ مفاتیح القیوب، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷)؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
- سلیم بن قیس هلالی کوفی (۱۴۱۵)؛ کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات الهادی.
- شیخ مفید (۱۴۱۳[الف])، الإختصاص، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید رحمته.
- (۱۴۱۳[ب])؛ الإرشاد، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید رحمته.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)؛ الأملی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامیة.
- (۱۳۷۸)؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، نشر جهان.
- (۱۳۹۸ق-۱۳۵۶ش)؛ التوحید، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴)؛ بصائر الدرجات، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی رحمته.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (۱۴۰۳)؛ الإحتجاج، مشهد، نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)؛ اعلام الوری، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱)؛ الغیبه، قم، دارالمعارف الإسلامیة.
- (۱۴۱۴)؛ الأملی، قم، انتشارات دارالتقافه.
- کلینی، ثقه الاسلام (۱۳۶۵)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)؛ بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- محدث نوری (۱۴۰۸)؛ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)؛ الغیبه، تهران، نشر صدوق.

